



## عرفان می تواند حلقه وصل مذاهب باشد / ظرفیت های انقلابی و تمدنی تصوف

حجت الاسلام غریب رضا، فعال جهان اسلام گفت: جریان های عرفانی شمال آفریقا به عنوان سد محکمی در برابر وهابیت مقاومت می کنند. عرفان این ظرفیت را دارد که حلقه وصل مذاهب باشد.

حجت الاسلام غریب رضا، فعال جهان اسلام گفت: جریان های عرفانی شمال آفریقا به عنوان سد محکمی در برابر وهابیت مقاومت می کنند. عرفان این ظرفیت را دارد که حلقه وصل مذاهب باشد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه\_حامد رضایی: گفته می شود حدود ۵۰۰ میلیون نفر صوفی در میان اهل سنت وجود دارد. کسری بزرگ از اعضای جهان اسلام که علاوه بر جمعیت بسیار، به لحاظ معنویت گرایی و نیز وهابیت ستیزی شان ظرفیت های بسیاری برای تعامل و همکاری دارند. هرچند استکبارستیزی صوفیان در عصر حاضر افول کرده، اما تاریخ تصوف نشان می دهد این ظرفیت نیز قابل احیا است. شرکت حجت الاسلام حمید غریب رضا، کارشناس مسائل جهان اسلام در کنفرانسی با حضور صوفیان جهان اسلام، بهانه گفتگوی ما با ایشان درباره ظرفیت های جریان تصوف شد.

\* شما اخیرا در کنفرانسی در الجزایر با شرکت صوفیان جهان اسلام شرکت کردید. لطفا درباره این کنفرانس و آنچه در آن گذشت توضیح بفرمایید.

در ابتدا لازم است توضیحی عرض کنم که واژه تصوف و صوفیه در جهان عرب با کاربرد آن در ایران متفاوت است. در ایران معمولا به برخی گرایش های گروه گرایانه با آداب و رسوم و باورهای خاص که معمولا مورد انتقاد فقها نیز قرار می گیرد، صوفیه گفته می شود. ولی با صرف نظر از جریانی که در مجامع علمی و دینی ما به شکل کامل مخالف عرفان و فلسفه است، با جریان میانه رو «عرفان فقهانی» یا فقه آشتی کرده با عرفان مواجه هستیم که نماد بارز آن حضرت امام خمینی(ره) هستند.

در کشورهای عربی معمولا واژه تصوف تبادر منفی ندارد بلکه شامل این گرایش سوم و عرفان میانه رو می گردد.

همایش با عنوان «المرجعية المحمدية في معالجة قضايا و تحديات العصر... مستغانم إحدى عوالم اهل التصوف» (مرجعیت محمدی در حل مسایل و چالش های معاصر... مستغانم یکی از سرزمینهای اصلی تصوف) برگزار شد. این همایش با حمایت مستقیم جناب آقای بوتفلیقه رئیس جمهور کشور الجزایر اجرا شد.

دو کشور در بین کشورهای جهان اسلام مدعی رهبری و مدیریت جریان های عرفانی اهل سنت هستند. یکی مغرب و دیگری الجزایر که البته به نوعی با همدیگر در این زمینه رقابت هم دارند.

جریان های عرفانی در شمال آفریقا انتشار زیادی دارند و به همین دلیل هم به عنوان سد محکمی در برابر وهابیت مقاومت می کنند. در کشور الجزایر به ویژه شهر مستغانم که این همایش در آن شهر برگزار شد؛ جریانه ها و شخصیت های عرفانی بارزی حضور داشته و دارند.

در کشور الجزایر ملتقای تجمع و ذکر و سخنرانی های این جریانه ها علاوه بر مساجد در اماکنی به نام «زاویه» و زوایا است. اتحادیه ای به نام «الاتحاد الوطني لزوايا الجزائرية» (اتحادیه ملی زاویه های کشور الجزایر) این همایش را برگزار کرد. اهداف این همایش در چند محور ذیل خلاصه می شود:

۱. نهادسازی و گفتمان سازی را از مرحله ملی به بین المللی ارتقا بدهند و کشور الجزایر بتواند به محوری در مدیریت جهانی جریان های عرفانی تبدیل بشود با همین نگاه در این همایش «الاتحاد العالمی للتصوف» (اتحادیه جهانی تصوف) تشکیل شد.

۲. جنایت های جریان های تکفیری در کشورهای مختلف اسلامی، جریان های عرفانی اهل سنت را به فکر بازسازی خود و گفتمان نشان و ارایه گرایش های عرفانی به عنوان مرجعیت اصلی و ربوده شده فکری و معنوی در جهان اهل سنت انداخته است. آنها معتقد بودند عرفان این ظرفیت را دارد که به عنوان جایگزین جریان تکفیری اصالتا و حلقه وصل مذاهب اسلامی در رده تعامل و وحدت بین مذاهب مطرح بشود. دعوت از فعالان و علمای شیعه از عراق و ایران در همایش گواه این گرایش آنها بود.

۳. گرایش اصلاح طلبانه برای مبارزه با خرافات و برخی اشتباهات متصوفه نیز در این همایش مشهود بود.

سطح حضور متوسط به بالا بود. شخصیت های مهمی در همایش از کشورهای مختلف حضور داشتند که البته می شد شخصیت های قویتری هم دعوت بشوند. فضای معنوی عالی بر همایش حاکم بود. مودت و وحدت بین مذاهب خیلی خوبی مشهود بود. سطح علمی متوسط بود. در مجموع برای شروع جهانی این گرایش حرکت خوب و موثری شکل گرفت و توجه جهانی را به سمت خود جلب کرد.

\*به نظر شما جریان تصوف چه ظرفیت هایی برای تعامل در جهت پیشبرد اهداف جهانی انقلاب اسلامی دارد؟

متأسفانه از طرف ما توجه کافی به ظرفیت های انقلابی عرفان در جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی نشده است. از حیث جمعیتی در گرایش های مذهبی گرایش های عرفانی بیشترین جمعیت ها را دارند. در صورتی که ما به عنوان عمق استراتژیک به این پیروان بنگریم و برای همکاری و تعامل با آنها برنامه دقیق داشته باشیم و محور را تحقق اهداف مشترک با آنها قرار دهیم (تقریب و تعامل و نه دعوت و اختراق) مسلماً توازن قوا را علیه استکبار جهانی و دنباله های تکفیری آنها در جهان تغییر جدی خواهیم داد.

از منظر گرایشی بر خلاف آنچه به عنوان مشهور (که اصالت و صحت ندارد) ترویج می شود عرفان ذاتاً خمودگی سیاسی نیست. بلکه مبانی عرفانی به انقلابی گری بسیار نزدیک است. شخصی که اساس گرایش فکری و معنوی خود را بر جهاد اکبر و مبارزه با نفس اماره بنا نهاده باشد در مبارزه و کفر به طاغوت بیرون هم پیشرو خواهد بود.

در مساله فلسطین کاملاً همسویی با خط مقاومت مشهود بود. شعار مردم الجزایر (که درصد بسیار بالایی از آنها گرایش عرفانی دارند) این بود: نحن مع فلسطین ظالماً او مظلوماً.

با توجه به زاویه ای که با سلفیت تکفیری داشتند سطح تحلیل سیاسی آنها در بحران های منطقه در سوریه و عراق به شکل نسبی با سایر گروه ها نزدیک تر بود. به ویژه در کشور الجزایر که از دیرباز در کنار جمهوری اسلامی مواضع همسو و همدلانه سیاسی اتخاذ می کرده.

الجزایر با توجه به میراث انقلابی خود و تقدیم بیش از یک و نیم میلیون شهید در مبارزه با استعمار فرانسه نماد تصوف و عرفان انقلابی در جهان اهل سنت است و می تواند به الگو و پایگاه ارزشمندی برای ترویج این تفکر تبدیل بشود.

\*مشکل اغلب جریانات صوفی، استکبارستیز نبودن آنها و سازش با حکام جور است. در چنین شرایطی آیا سرمایه گذاری روی این جریانات می تواند برای اهداف انقلاب اسلامی مفید باشد؟

این تصور یکی از ساخته های سیاسی رسانه ای غرب است که بر خلاف تاریخ قطعی عرفان و جریان های عرفانی اهل سنت در جهان اسلام است و با چند هدف طراحی و ترویج شده است:

در دو مقطع تاریخی مبارزه با جنگ های صلیبی و مبارزه با استعمار عالمان و جریان های عرفانی همیشه پیش رو بودند. اگر به تونس سفر کنید با قلعه ها و مقابر اولیای الهی و عالمان عرفانی زیادی روبرو می شوید که «مرايطون» نام دارند. تونس مرز جهان اسلام و عرب با اروپا است و مرز آبی با کشور ایتالیا دارد. بارها هم مورد تجاوز نظامی غربی ها قرار گرفته است. بسیاری از این عالمان در این مراکز «رباط» ها در طول سال به تهذیب نفس و عبادت می پرداختند و در هنگامی که حمله ای نظامی به این کشور می شد به وظیفه دفاعی و جهادی خود می پرداختند.

در کشور مراکش هم با این پیشرو بودن تصوف در مبارزه با استعمار روبرو هستیم. شخصیت های بارز فراوانی از رهبران جریان های عرفانی در تونس الجزایر و کشورهای آفریقایی در مبارزه با استعمار فرانسه به شهادت رسیده اند و رهبری جریان مقاومت را به عهده داشتند. همانند امام خمینی در ایران که شخصیتی عرفانی و مبارز بود در الجزایر هم «امیر عبدالقادر» رهبر عرفانی مبارزه با اشغالگری و استعمار فرانسه بوده است و امروز قهرمان ملی و نماد مقاومت در این کشور است.

برای بررسی تاریخ جهاد و مبارزه با طاغوت های سیاسی در بین تصوف اهل سنت کارهای تاریخی خوبی انجام شده است که متأسفانه در ایران این پژوهشها و کتابها شناخته شده نیستند. معتقدم احیای این تاریخ و ترجمه آن در ایران به زبان فارسی در اصلاح این تصور نادرست به ما کمک زیادی خواهد کرد.

غرب به خوبی از ظرفیت جمعیتی و گرایشی تصوف در جهان مطلع بود و تاریخ جریانهای جهادی عرفانی را به خوبی می شناخت به همین دلیل هم برای استعمارزدگی فرهنگی و سیاسی تصوف دقیقاً همان برنامه ای را اجرا کرد که نسبت به شیعیان

و حوزه های علمیه به کار برده بود. سیاست گریزی و ناپاک دانستن سیاست در حوزه های علمیه یک فرهنگ تحمیلی است که امام خمینی تلاش زیادی برای مبارزه با این نگاه کردند.

بنابراین معتقدم این نگاه سیاست گریز و تسلیم در برابر حاکمان جور (که برخی از صوفیه خود نیز به آن باور پیدا کرده اند) نه با تاریخ آنها و نه با مبانی شان سازگاری ندارد.

در این همایش سطح بیداری سیاسی بالایی وجود داشت. این بزرگان معتقد بودند که غرب برای اینکه الگوی مشوهی از جهاد را ترویج کند به ساخت و جلوه دادن گروه های تکفیری پرداخته است تا از مفهوم جهاد آنگونه که خود می خواهد در اسلام هراسی بهره برداری کند و جریان های عرفانی را که پیشرو در جهاد واقعی بوده اند به حاشیه براند.

\*چگونه می توان ظرفیت های انقلابی درونی تصوف که روزگاری در امثال عبدالقادر الجایزی نمود داشت و اکنون به خاموشی گراییده را دوباره فعال کرد؟

معتقد نیستم این نگاه به خاموشی رفته باشد بلکه در ظرف تاریخی احیاء این نگاه و گرایش هستیم. طبیعتاً تعامل تشیع انقلابی با تصوف انقلابی در تسریع این فرآیند موثر خواهد بود. نگاه به گذشته و نگاه به آینده در طراحی راهبردها و برنامه های تعاملی مفید است.

برنامه های احیایی برای رهبران جهادی آنان در مناطق مختلف جغرافیایی در قالب نوشتن کتابها و برگزاری کنفرانسهایی در ترویج و تقدیر از این جریان ها و شخصیت ها توسط ما بسیار موثر خواهد بود.

سوق دادن مطالعات منطقه ای و ادیان و مذاهب در دانشگاه ها و پژوهشگاه های ایران به سمت بررسی و جریان شناسی این گرایش جهادی باب علمی خوبی را خواهد گشود.

مطالعات مقایسه ای بین شخصیت ها و حوادث انقلابی و جهادی در تاریخ شیعیان و تصوف اهل سنت بسیار موثر خواهد بود.

در این زمینه به چند پیام ارزشمند امام خمینی که در سالگرد پیروزی انقلاب مردم الجزایر صادر شده اشاره می کنم. در حین سفر با راهنمایی دوست عزیزم جناب آقای شهبازی این پیام را دیدم و ترجمه عربی آن را بازنشر کردم که استقبال خیلی خوبی از آن شد. نگاه امام خمینی در مقایسه انقلاب دو کشور و تاکید بر ارزشهای مشترک انقلابی و ترسیم آینده و افق انقلابی با همکاری دو ملت نقشه راهی برای فعالان فرهنگی و فکری علاقمند به کار در این عرصه است.

در نهایت علاوه بر تاکید همیشگی ام بر استمرار و توسعه عملیات های پارتیزانی فرهنگی در این عرصه توسط سازمانهای مردم نهاد و فعالان مردمی معتقد به ضرورت تدوین راهبرد دقیق و جامع توسط مسوولان فرهنگی در این بخش هستیم.